

فرخنده باد پنجاه و دومین سالروز تأسیس حزب توده ایران!

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به مناسبت سالروز تأسیس حزب

پنجاه و دو سال پیکار حماسی در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی

از دستاوردهای سیاسی، علمی و فرهنگی برای نسل های دیروز، امروز و فردای کشورمان به ارتقان آورده است. با تأسیس حزب توده ایران حیات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ما به کلی دگرگون شد. مبارزه علیه فاشیسم، مبارزه علیه سلطه جویی قدرت های استعماری و اپریالیسم، مبارزه برای حقوق زنان، مبارزه برای به اجرا در آوردن قوانین مترقبی در دفاع از منافع کارگران و زحمتکشان، مبارزه برای حق تشکل کارگران و دهقانان، مبارزه برای تصویب نخستین قانون کار، ادامه در ص ۲

با فرا رسیدن دهم مهرماه ۱۳۷۲، پنجاه و دو سال از تأسیس حزب توده ایران، حزب شده، حزب زندانیان سیاسی، حزب کارگران و زحمتکشان کشورمان می گذرد. پنجاه و دو سال است که توده ای ها بدون کوچکترین چشمداشتی، برای بهروزی مردم میهن، برای آزادی، استقلال، صلح و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند. تاریخ معاصر کشور ما شاهد گویا و زنده ای از این رزم حماسی و خوبی است، که از يك سو هزاران شهید، ده ها هزار سال زندان، و هزاران شکنجه شده و زجر دیده بر جای گذاشته است و از سوی دیگر انبوهای



از کان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۴۱، دوره هشتم
سال نهم، ۶ مهر ۱۳۷۲

وقتیکه کودتا و سرکوب

عین

دموکراسی است؟

سرود خوانان تا فتح آشیانه خورشید

بوی خون آید از آن راهی که ماسکرده ایم
نقش پا هرگام، چون بروگ خزان افتاده است
یادگار دودمان پردلی مائیم و شمع
سرمه تاراج فنا رفته است و پا افسرده ایم

کلیم کاهانی

سطر سطر تاریخ این حزب موج می زند. (رفیق شهید
حجه الله قریشی)
با خون نبسته اند، نه بر سنگ های سرد که بر قلب های
تاریخ حزب ما، تاریخ مبارزات تهرمانانی است، که
با ایثار و ایمان گام در راهی دشوار گذاشتند و آنکه که
بر جاذبه، چیزی به تبرک روزیه و سیامک و وارطان در
ادامه در صفحات ۴ و ۵

برگ برگ تاریخ پر برخ و پیکار حزب توده ایران را
با خون نبسته اند، نه بر سنگ های سرد که بر قلب های
گرم و بر تپش. با حزب توده ایران، تاریخ و
سرگذشت شکری مددوش است. چیزی مرموز و
پر جاذبه، چیزی به تبرک روزیه و سیامک و وارطان در
ادامه در صفحات ۴ و ۵

برگ هایی از دفتر مبارزات پر شور توده ای ها

- | | |
|---|-------------|
| پنج دهه مبارزه در راه آزادی زنان | صفحات ۲ |
| پنج دهه رزم و پیکار در راه رهایی طبقه کارگر | صفحات ۶ و ۷ |
| پنج دهه نبرد در راه احراق حقوق جوانان | صفحات ۸ |

پیام های همبستگی

به مناسبت پنجاه و دومین سالگرد
تأسیس حزب، پیام های تهنیت بسیاری
از سوی احزاب کمونیست و کارگری
جهان به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب
رسیده است که ما در شماره های آینده
آنها را منتشر خواهیم کرد.

زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولایت فقیه"!

پنج دهه مبارزه در راه آزادی زنان

به مبارزه در راه تعمیق دستاوردهای انقلاب و تحقق حقوق زنان پیاپی استند. "تشکیلات دموکراتیک زنان" بار دیگر فعالیت علی خود را آغاز نمود و مجله "جهان زنان" پیاپای ارگان آن انتشار یافت. ماهیت شدیداً مذهبی بخش مهمی از نیروهای شرکت کننده در انقلاب، نیروهایی که در فردای پیروزی بر مین ما حاکم شدند، خیلی زود آژوهای مساوات طبلانه زنان کشور ما را به کابوسی هولناک بدل کرد. پورش و سرکوب خشن و شدید حقوق زنان، از جمله نخستین عرسه های بود که حاکمیت در راه سرکوب کامل آزادی های بدبست آمده به آزمایش گذاشت. هدف بازیس گرفتن کلیه حقوق بدبست آمده زنان در تمام سال های گذشته و حاکم نمودن قوانین اجتماعی، پوسیده و قرون وسطی پر جامعه بود. با تشید روند سرکوب، تشكل های زنان مورد پورش گزمنکان رژیم قرار گرفت و زنان مبارز بار دیگر به شکنجه کاهها کشیده شدند. مقاومت اسطوره ای زنان زندانی، واژ جمله زنان توده ای در مقابل شکنجه های وحشیانه گزمنکان، سفحات درخشانی از مبارزات آزادیخواهانه کشور ما را تشکیل می دهد، نام زنان تهرمانی همچون گیتا علیشاھی و فاطمه مدرسی "سینم فردین"، که مقاومت افسانه ایش حتی درخیمان رژیم را نیز متوجه کرده بود همچون ستاره های درخشانی بر تارک مبارزات مردم کشور ما می درخشند.

علی رغم تمامی سرکوب ها، کشتارها و ترورها، مبارزات زنان ایرانی برای احراق حقوقشان، و آزادی مینهان از پوچ استبداد رژیم "ولايت قیمه" با جسارت و شهامت بی نظیری ادامه دارد.

به همت زنان مبارز توده ای، نخستین تشکیلات صنفی زنان ایران در بهمن ماه ۱۳۲۱ به نام "تشکیلات دموکراتیک زنان" آغاز به فعالیت نمود و در کوتاه مدت توانست هزاران زن ایرانی را در صفو خود، در راه کسب حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادیان منسجم کند. تشكل زنان، نیروی عظیم و پرتوانی را به جنیش آزادیخواهانه کشور ما افزود و توانست بخش های مهمی از خواست های خود را به هیئت حاکمه وقت تحمیل کند. به ابتکار زنان توده ای نخستین مجلات و نشریات مخصوص سایپل اجتماعی - سیاسی زنان انتشار یافت و نقش ارزشمند ای در رشد آکادمی زنان کشورمان اینجا کرد. برگزاری مراسم بزرگداشت روز جهانی زن، ۸ مارس، در شهرهای مختلف ایران، به مثابه روز ممبستگی با مبارزات زنان سراسر جهان در راه بدبست آوردن برابری کامل حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، از جمله دیگر دستاوردهای زنان توده ای در این سال هاست. بدیان کودتای ۲۸ مرداد و پورش ارجاع به جنیش آزادیخواهانه کشور، "تشکیلات دموکراتیک زنان ایران" نیز مورد پورش قرار گرفت و فعالیت آن غیر قانونی اعلام شد. ولی مبارزه زنان در جامعه قطع نگردید و علی رغم مانورهای عوام فریبانه رژیم شاه در توجه به حقوق زنان، و از جمله برگزاری روز ۱۷ دی ماه به عنوان روز زن، مبارزات زنان کشور ما برای احراق حقوق شان تا پیروزی انقلاب همچنان ادامه یافت. زنان مبارز کشور، نقش ارزشمند ای در به پیروزی رساندن انقلاب اینجا کردند. شرکت وسیع زنان در اعتراضات مردمی و شرکت آنان در مبارزات عموم خلقی که سرانجام به سرنگونی رژیم استبدادی متجر گردید، نشانگر نشان، اعتبار و در عین حال رشد جنبش زنان کشور ما بود. با پیروزی انقلاب بار دیگر زنان توده ای در کنار حزیشان

پنهان و دوسال از آغاز نبرد حزب توده ایران در راه تحول جامعه مانی گزد. جامعه ای که در آن حزب به تمام معنا عقب مانده و استعمار زده که در آن عقاید قرون وسطی و ناسالم اجتماعی بر زندگی مردم حاکم بود. جامعه ای که قانون اساسی اش زنان را به عنوان "صیغه"، "ناقص" و نصف مردان به حساب می آورد، و بر این اساس بزرگترین ستم ها را بر آنان روا می داشت. یکی از مهمترین عرصه های مبارزاتی که از نخستین روزهای تاسیس حزب ما در دستور کار آن قرار گرفت تغییر روابط عقب مانده حاکم بر جامعه، و دفاع از برابری حقوق زنان و مردان بود. حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی کشور بود که اعتقاد راست خود به این اصول را این چنین در نخستین برنامه سیاسی اش که توسط اولین کنگره حزب در ۱۰ مرداد ماه ۱۳۲۲ به تصویب رسید، گنجاند:

حقوق زنان

- کوشش در توسعه حقوق اجتماعی و برقراری حقوق زنان (حق انتخاب شدن و انتخاب کردن) در مجلس مقننه و اجمن های ایالتی و بلدی؛
- بهبودی اوضاع مادی و تامین استقلال اقتصادی زنان؛
- تاسیس و افزایش موسسات حمایت مادران و کودکان بی بضاعت؛
- تساوی حقوق زوجین و تجدید نظر در قوانین زناشویی و طلاق؛

... (و در بخش مبارزه برای قانون کار) ...
ج - تساوی دستمزد کارگران زن و مرد؛
ح - استفاده زنان کارگر و مستخدم از مرخصی یا دریافت حقوق در دوره وضع حمل، لاقل سه ماه.
انکاس چنین خواسته های انقلابی و انسانی در برنامه مبارزاتی حزب بود، که فوراً گروه های زیادی از زنان روشنکر و زحمتکش جامعه را به صفو حزب ما جلب کرد. حزب توده ایران بر اساس اعتقاد عمیقی که به مبارزات صنفی زنان داشت، تمام توان خود را برای ایجاد تشكل های مستقل زنان در جامعه بکار گرفت و

نخواهد توانست، اوجگیری مخالفت توده های رنجیدیده و محروم را در مقابله با استقرار رژیم پوسیده و واپسگرا در این کشور سرکوب نماید. اقدام مستبدانه یاتسین به مظلوم قلع و قمع قوه مقننه کشور بازی مفتضح ضد دموکراسی و ضد ملی "دموکرات های" روسیه را با روشنی قام در مقابل افکار عمومی روسیه و جهان، به غایی کشید. مبارزه مشترک و متحد نیروهای مترقی این کشور، از جمله نیروهای کمونیست، بی شک نتسن موثر و تعین کننده ای در تعین سرنوشت کشور خواهد داشت. استقرار سرمایه داری در روسیه نشان داده است که جز تابودی اقتصاد ملی، تحمل فقر به بیش از ۸۰٪ اهالی کشور، حاکم کردن باندهای مالیاتی و جناحتکار بر جان و مال مردم و آماده سازی زمینه برای یک دیکتاتوری عربیان و وابستگی روسیه به جهان غرب، ارمغانی نداشته و ندارد.

کمونیست ها در لهستان هستند، اجازه دارد تا دموکراسی، آزادی و ارگان های قانونی کشور را سرنگون کند و سران "انساندوست" و دستگاه عظیم "حقوق بشر"، "جهان آزاد" و دستگاه تبلیغاتی امپریالیسم این اعمال را عین دموکراسی و دفاع از آزادی اعلام نمایند. موضوعکری اخیر سران کشورهای غربی، ماسک فریب، دروغ و ریا را از چهره کریه امپریالیسم کنار می زند و بار دیگر نشان می دهد در آنجا که منافع سرمایه سرکوب و خونریزی آزاد است.

در چند روز اخیر اخبار و گزارشات متفاوت و گاه متضادی پیرامون چکوونگی روند تحولات در روسیه در رسانه های گروهی انتشار یافته است و از این رو ارزیابی همه جانبه روند آتی حوادث در شرایط کنونی بسیار دشوار است. ولی آنچه که از هم اکنون می توان پیش بینی کرد این است که کودتای نوکران سرمایه داری جهانی مانند مانورها و ترندگانهای قبلی آنها

وقتیکه کودتا و سرکوب ...

به اجرا در می آید. دربی این حرکت ضد دموکراتیک، تمامی ارگان های قانونی کشور، از جمله دادگاه قانون اساسی و شورای عالی تایاندگان این عمل را یک حرکت غیر قانونی و ضد ملی اعلام نمودند و از مردم، شوراهای محلی و ارتش و نیروهای انتظامی خواستند که به مقابله با آن بخیزند. حتی رسانه های گروهی غرب و برخی سیاستمداران این کشورها پنهان می کنند که حرکت یاتسین در عمل کوچکترین تفاوتی با کودتای اوست ۱۹۹۱، که تمامی غرب برای شکست آن پسیج گردید، ندارد. تفاوت اساسی این بار این است که بوریس یاتسین بیانه حافظ منافع سرمایه داری نویای روسیه و شرکت های فرامیتی کشورهای امپریالیستی، که همکی نکران شکست برنامه هایشان در شرایط اوجگیری نارضایتی توده ها و تکرار تجربه اخیر پیروزی

دوران دشوار بازسازی تشکیلاتی حزب در درون و خارج از کشور، در طول دهه گذشته، علی رغم تمامی مشکلات، از طوفان فروپاشی کشورهای سوسیالیستی در اروپای شرقی و اتحادشوروی سابق، تا خیات و ارتداد افرادی در صفوی حزب، که به همانهای مختلف "بازسازی"، "نویازی"، "علتی" و "دکترگونی" پرچم انشقاق در صفوی حزب را برافراشتند و خواهان متوجه کردن حزب از درون بودند، با تلاش شبانه روزی و فداکارانه تاک تک شما نتش برا آب شد. برگزاری سومین کنگره حزب در دشوارترین شرایط، و تصویب برنامه و اساسنامه نوین حزب علی رغم همه کارشناسی‌ها برای جلوگیری از آن، دستاورده بزرگی در تاریخ پنهان و دوسره حزب ما است که به همت و مبارزه شما ممکن گردیده است. بی‌جهت نیست که جمهوری اسلامی و نیروهای اجتماعی که حزب ما را قام شده و نایابه شده اعلام کرده بودند، در فردای اعلام برگزاری پیروزمند کنگره، کارزار بی‌سابقه تبلیغاتی علیه آن به راه انداختند و تمامی امکانات خود را برای ضربه زدن مجدد به آن به حرکت درآوردند. ما اطمینان داریم که هیچکی از این ترقندها نخواهد توانست رژیم‌گان توده ای را از مبارزه مقدسشان در راه به پیروزی رسانند آرمان‌های والای زحمتکشان کشورمان، در راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بازدارد.

هم میهنان مبارز

میهن ما دوران دشوار و پرتلاطمی را از سر می‌گذراند. بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی، قفر و محرومیت میلیون‌ها انسان، بیکاری، فساد و استبداد خشن و قرون وسطی، در مجموع شرایط فوق العاده دشوار و دردناکی را برای مردم پدید آورده است. اکثریت قاطع مردم خواهان تغییر اوضاع کنونی و استقرار، آزادی، امنیت و عدالت اجتماعی هستند. مانع اصلی بر سر راه چنین تغییری در شرایط کنونی، رژیم "ولايت قیمه" است که با توصل به دستگاه‌های سرکوب، شکنجه، ترور و اعدام سد راه تعویل جامعه گردیده است. حوادث یکسان اخیر، از سرکوب خونین قیام‌های وسیع مردمی در تایستان سال گذشته، تا پورش ارگان‌های رژیم به نیروهای مخالف، از جمله بخشی از نیروهای مذهبی که از حاکمیت رانده شده اند، نشان می‌دهد که با تعمیق بحران حکومت، جمهوری اسلامی بیشتر و بیشتر به سرکوب و تشدید جو قشار و خفغان برای ادامه حیات خود متکی است. تجربه جنبش‌های آزادیبخش کشور ما در پنج دهه گذشته و مبارزات آزادیخواهانه در سرتاسر جهان و منطقه نشان می‌دهد که در سوریه مقاومت وسیع و همانگ مردم و پسیح اشاره مختلف جامعه، از کارگران زحمتکشان گرفته تا روشنکرکان، جوانان، دانشجویان و ارشیان می‌توان رژیم را به عقب نشینی وادر کرد. در این لحظات حساس تاریخ وظیفه نیروهایی که در درون کشور مبارزه می‌کنند بویژه بسیار مهم و درخور تأکید است. به گمان ما هنگام آن فرارسیده است که نیروهای مختلف جمهوری اسلامی و طرقدار آزادی، از نیروهای طرقدار سوسیالیسم تا نیروهای ملی گرا و نیروهای مذهبی آزادیخواه اختلافات سلیمانی ای و نظری خود را به کناری گذاشته و در صفت واحدی در مقابل حاکمیت اجتماعی پیاخته‌زند. حزب توده ایران همچون گذشته آمده است تا در راه به انجام رساندن این وظیفه تاریخی و مقدس همه امکانات و توان خود را بکار اندازد. فراموش نکنیم که بدون یک آتنرانتیو مشخص و دمکراتیک غمی توان از توده‌های جان به لب رسیده انتظار داشت تا به صفت مبارزه بپیونددند. نایاب اجازه داد تا با طولانی تر شدن حیات منحوس حکومت استبدادی جمهوری اسلامی بازهم خونهای بیشتری بر زمین ریخته شود و کشور بپیش از این تخریب شود. دور نیست روزی که فریادهای مرگ بر رژیم استبدادی سرتاسر فضای کشور را فراگیرد و انقلاب مردم کاخ ظلم و استبداد را درهم پکوید. آینده از آن آزادی و عدالت است و مستبدان را جایی جز زیاله دان تاریخ نیست.

درود پرفسور به خاطره تابناک فهیدان توده ای و همه فهیدان راه آزادی میهن!
فرخنده باد پنهان و دومن سالروز تاسیس حزب توده ایران!
زنده باد آزادی، صلح و عدالت اجتماعی، طرد باد رژیم "ولايت قیمه"!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

مهر ماه ۱۳۷۲

اعلامیه کمیته مرکزی ...

مبازه برای اصلاحات ارضی به نفع دهستانان بی‌زمین و کم‌زمین - در راستای نابودی روابط ظالمانه "ارباب و رعیتی" -، مبارزه در راه ایجاد سیستم آموزش رایگان و همکاری، بهداشت رایگان، میستم تامین اجتماعی، آزادی بیان و آزادی مطبوعات، همه آرمان‌های والای مترقبی و انساندوستانه ای بودند، که توسط حزب ما مطرح شدند و تحولات شکری را در پیشبرد مادی و معنوی جامعه ایجاد کردند.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی کشور بود که در راه تشکل و ایجاد سازمان‌های مستقل صنفی برای کارگران، دهستانان، زنان و جوانان مبارزه کرد و توانست نخستین اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری، دهستانی و نخستین سازمان‌های زنان و جوانان کشور ما را ایجاد کند.

بیهوده نیست که دشمنان قسم خوده میهین ما، استعمارگران و ارتجاع داخلی، در سیمای حزب توده ایران، دشمنی خستگی تاحدیر و رزمده را یافتند، که همواره سد راه توشه های آنان بوده است. در تمامی پنج دهه گذشته، مرگاه ارتجاع و امپریالیسم در جهت نایابی جنبش‌های مردمی و آزادیخواهانه کشورها اقدام کرده است، حزب توده ایران از مهمترین هدف ها و قربانیان این سرکوب بوده است. از سرکوب‌های خونین جنبش‌های خلقی آذربایجان و کردستان در سال‌های ۲۰، و توطنه ننگین کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲، تا سرکوب نیروهای دگر اندیش توسط جمهوری اسلامی، همواره توده ای ها از جمله نخستین نیروهایی بودند، که به پند کشیده شدند، به شکنجه گاهها برده شدند و سرانجام سریند و پراتخار در پرابرجوحه‌های مرگ قرار گرفتند.

اما علی رغم همه این توشه‌ها، سرکوب‌ها و اعدام‌ها، ارتجاع و امپریالیسم تا به امروز توانسته اند، حزب توده‌ها را نایابه کنند و بی‌شك در آینده نیز نخواهند توانست به این آرزو دست یابند. مرتعین و سرکوبکران از درک این حقیقت عاجزند، که حزب ما از یک ضرورت تاریخی که ریشه‌های عمیق، در ساختار اجتماعی - اقتصادی کشور ما دارد، پدید آمده است و همین ضرورت و رسالت تاریخی است که بقای آنرا تضمین کرده است. بارها ما را "منحله"، "تمام شده"، "ریشه کن شده"، و "تابو شده" اعلام کرده اند، و مر بار با وزیدن کوچکترین نسیم آزادی برق‌فرز میهن توده‌های رنج و زحمت پرچم حزب‌شان را در گوش و کنار کشور به اهتزاز درآورده اند و پیشکویی‌های ارتجاع و امپریالیسم را نقش برآب کرده است. بارها ما را سلطنتی، بیش از دهها سال حزب ما را سرکوب کرد، توده ای را استبدادی سلطنتی، بیش از دهها سال حزب توده ای را از زندان انداده شد، شکنجه داد و به دارشان آویخت، ولی آنچه که سرانجام نایاب شد، سلطنت فاسد، پوسیده و واپسیه پهلوی و ابستکانشان بود و آنچه که جاویدان ماند نام و خاطره پرشکوه فرزندان قهرمان خلق، نام روزیه‌ها، سیامک‌ها، کیوان‌ها، وارطان‌ها، حکمت جوها و هزاران دلاور جان باخته دیگر بود که پرچم مبارزه با استبداد، ظلم و بیعدالتی را در میهن ما برافراشتند. رژیم جمهوری اسلامی نیز خیلی زود با در جای پای رژیم گذشته گذشت و تلاش کرد با سرکوب کرد، توده ای را از "شر" حزب توده ایران راحت سازد. هزاران شکنجه توده ای به پند کشیده شدند، ساعت‌ها و روزها شلاق خورده‌ند، وحشیانه شکنجه شدند و سرانجام در تایستان شوم ۶۷، در کنار هزاران زندانی سیاسی دیگر قتل عام شدند. ولی این بار نیز تاریخ تکرار خواهد شد و آنچه که رفتی است رژیم استبدادی، ضد دموکراتیک و ضدانسانی حاکم بر کشور ماست و آنچه که ماندنی است انسانیت، آرمان‌های آزادیخواهانه و والای زحمتکشان و مبارزه پرشور و حمامه جاودانی است که قهرمانان خلق، فرزندان دلاور حزب توده ایران و سایر نیروهای مترقبی و آزادیخواه کشور در میدان نبرد به خاطر آزادی و بهروزی میهن ما آفریدند، و می‌آفرینند.

رژیم‌گان توده ای

حزب ما دوران دشوار و پر دردی را پشت سر گذشته است. دری بی‌پوش خونین رژیم، هزاران نفر از هیران، اعضاء و هواداران حزب دستگیر و روانه شکنجه گاهها شدند، هزاران نفر به مهاجرت اجباری کشانده شدند و سازمان‌های خوبی در درون کشور ضربات سختی را متحمل گردیدند. در این پورش جنایتکارانه حزب ما گروهی از شایسته‌ترین و مبارزترین، رهبران، کادرها و اعضاء خود را از دست داد.

تاریخ معاصر میهن ما در پکدیگر، خود بهترین گواه آنست که حزب توده ایران مصوب طبیعی این آب و خاک، برخاسته از عمق خواست و نیاز پیکار نیروهای اجتماعی تاریخ ساز و پاسخ دهنده به ضرورت های این حرکت میهنی در عصر نوست... این رایت و روایت ماست. در طین این روایت و در اهتزاز این رایت بزرگترین حقیقتی که می درخشند روشن اتفاقی، خرد جمی، خصلت تکامل پاینده حزب توده ایران در آمیزش سرشی با سازش ناپذیری او در مبارزه با قلدوالیسم، سرمایه داری و استبداد سلطنتی و امپریالیسم است. هر مسئله دیگری تنها در متن این ماهیت و این روند عام قابل طرح، ارزیابی و قضاآت جدی است.

به جن بکشد، دانسته یا ندانسته در سنگر ست کاران قرار دارد. در کنار تاریخ حزب توده ایران و جدا از این تاریخ طبقه کارگر و توده زحمت ایران معاصر تاریخ دیگری ندارند... (رفیق شهید فرج الله میزانی "جوانشیر" ۱۳۶۷)

و این است پیام کاروان شهیدان حزب که امروز یکپارچه بپاگاسته، سفت آراسته و از برابر دیدگان مشتاق رفیقان و رهروان امروز حزب سرود خوانان تا تلح آشیانه خورشید رسپار است. این یادنامه کوتاه را که تنها قطه ای است در دریای بیکران شهامت، دلاری و ایشاره سرداران شهد حزبان، با سخنان نفر و زیبای رفیق رحمان هاتقی "حیدر مهرگان"، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران که زیر شکنجه های وحشیانه دُخیمان جمهوری اسلامی به شهادت رسید به پایان می برس.

"آنکاس دوجانبه سرگذشت حزب توده ایران و

(بهزادی، ۱۳۶۷)

در حدود ۲۵ سال در زندان ها بسر برده ام؛ ۱۲ سال در زندان قصر در تهران، ۶ سال و چند ماه در دو نوبت در تبعید گاه برازجان و ۶ سال و چندماه را در زندان عادل آباد شیراز زندانی بودم، چون حاضر نشدم به حزم اهانت یکنم و همیشه وفادار به راه حزب توده ایران بودم. در اثر اقدامات و فشار افکار عمومی در سوم آبان ماه ۱۳۵۷ از زندان عادل آباد شیراز آزاد شدم و این آزادی خود را مدیون ملت ایران و همه آزادیخواهان جهان می داشم که پیکرمانه در مورد به تحقق رساندن شعار آزادی زندانیان سیاسی و حصول نهایی آن اقدامات جدی کردند. مدارج حزب را از عضویت ساده تا هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران می کرده ام و بزرگترین اختصار این است که سریاز ساده حزب توده ایران هستم...". (رفیق شهید تقوی کی منش، ۱۳۶۴)

"اگر هزاران بار دیگر به دنیا می آمدم، باز جز این اختخاری در میان نبود. توده ای هستم و به این واقعیت اختخار می کنم...". (رفیق شهید انوش طاهری، ۱۳۶۷)

پنج دهه مبارزه جوانان...

گرفتن موج ناخشودی و مخالفت عمومی علیه نظم موجود، دائمه نارضایتی جوانان نیز روز بروز گسترش می یابد. در دوسال گذشته رشد جنبش اعتراضی در دانشگاه های ایران که حتی به شکل درگیری شدید با نیروهای انتظامی جلوه نمود، نوید از آغازی تو برای جنبش انتظامی دانشجویی می دهد. رهبران رژیم به صراحت از رویکردانی نسل جوان از حاکمیت و بی اعتمایی آنان به ضد ارزش های رژیم اسلامی سخن می گویند. گزارش های متعددی از برخورده ماموران انتظامی رژیم با جوانانی که درصد برگزاری چشم های (نتیز مراسم چهارشنبه سوری) و یا گرد همایی های توان با شادی و سرور هستند، وجود دارد. این حقیقت که در برره کوتی در محاذیک جوانان جامعه حزب الله بودن مورد طمعه قرار می گیرد، خود از تغییر اساسی جو حاکم برمجامه حکایت می کند.

مبارزه علیه تهاجم فرهنگی از سوی رژیم در حقیقت متوجه، نهوده لپا پوشیدن نسل جوان، رواج نوعی از موسیقی که رژیم راغب به آن نیست و گسترش ادبیات مستقل و نشریات روش نگری غیر وابسته می باشد. ولی تجربه شنان داده است که اتخاذ سیاست سرکوب از سوی رژیم، بخش های باز هم وسیع تری را به جبهه مخالفت با حاکمیت سوق می دهد.

در حال حاضر جامعه ما به گونه ای تپ آلود در انتظار دگرگونی به سر م برد. بدون تردید جوانان در محتوای بخشیدن به این دگرگونی و حل مسائل سیاسی- اجتماعی و اقتصاد جامعه ایران نقص پر اهمیت اینها خواهد کرد. چرا که روندهای جاری و مسائل موجود در جامعه به شکل کثیر موضع و ژرف شناخت و سمت ده فعالیت اجتماعی جوانان تاثیر مستقیم خواهد گذارد.

و با درک این حقیقت حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران ضمن مطالمه و برسی روندهای اصلی جنبش جوانان و شرایط جامعه را در میان جوانان کشور می باشند. حزب ما معتقد است رهبران و ساحیان آینده جامعه ایران سهمی اساسی برای آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی دارند. وظیفه انتظامی ما این است که در جهت ایندی چنین سهمی از سوی آنان، بطور سازمان یافته عمل ثاییم.

مانویستی در رهبری آن دچار مشکلات فراوانی شد و توانست آن طور که شایسته است به وظایف خود ادامه دهد و هم از چندی از هم پاشید.

مبارزه جوانان توده ای در درون کشور، علی رغم جو ترور و انتقام ادame یافت. نخستین تلاش توده ای ها برای درهم شکستن طلس اختناق، خصوصا در محافظ روشنگری و دانشجویی، تلاش هایی بود که از سوی رفیق شهید هوشمنک تیزیانی با انتشار نشریه "بسیوی حزب" آغاز گردید و در پس این تلاش بود که سازمان زیر زمینی "نوید" بنیاد گذارده شد و توانست نقش مهمی در مبارزه علیه رژیم استبداد سلطنتی تا پیروزی انقلاب بهمن ۵۷ ایجاد کند. با پیروزی انقلاب جوانان توده ای بار دیگر این امکان را یافتند که آزادانه و علیه بیان جوانان و دانشجویان رفته و اندیشه های دوران ساز سوسیالیسم را در میان آنان ترویج کنند. فعالیت های سازمان جوانان توده ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دموکرات ایران، در این سال ها اثرات مثبتی در رشد آگاهی جوانان کشور در مبارزه علیه امپریالیسم و تعمیق انقلاب برجای گذاشت.

خیانت رهبران جمهوری اسلامی ایران به جنبش مردمی سال های ۵۰ و انقلاب ضد امپریالیستی و مردمی بهمن ۵۷، شرایط جدیدی را برای جوانان ایران به وجود آورده است. سلطه عقب مانده ترین ایده ها، بدل شدن دک انديشي و تفكرات اجتماعی و ضد علمی به سیاست حاکمه پیش از همه چهره خشن خود را به جوانان کشور مانع ایادنده است.

رهبران رژیم که با عدول از آماج های خدا امپریالیستی، آزادی طلبانه، عدالت غواهانه و مردمی انقلاب تداوم و بقای خود را در تربیت نسلی سرخورده و منفلع، یکانه با علم و اسیر انديشه های خرافی و قرون وسطی می بینند، آمادگی تحمل کوچکترین فعالیت و سازماندهی را در میان جوانان ندارند.

نتیجه مستقیم سیاست های رژیم، بحران ژرفی است که سرایای جامعه را فراگرفته است. جوانان و نوجوانان کشور ما با مسائل حادی دست به گردان و هستند و به ویژه از رهکذر فرمانروایی رژیم ترور و انتقام پلیسی سرکوب آزادی های دموکراتیک زیان های جبران ناپذیری را متوجه حال و اینده زندگی جوانان کشور نموده اند.

در عین حال، همپای تشید بحران رژیم و بالا

"از ما می خواهند که به آرمان های انسانی حزبان پشت کنیم، راه خیانت به آمال محروم وطنمنان را در پیش بگیریم و یا ما را اعدام خواهند کرد. جواب من به آن ها همان است که روزیه، وارطان و تیزیانی ما به دژخیان دادند...". (رفیق شهید حسین قلمبر، ۱۳۶۷)

پیمانه مان پلورین، پیمان زنگ خارا این بشکنند بسانم و آن تا ابد بماند". (رفیق شهید فرزاد دادگر، ۱۳۶۷)

جلاد: "این خون ها از جوانشیر و زرشناس است حرف میزنی یا نه؟؟؟"

سیمین: "چه اختخاری بالاتر از این که خونم با خون رفایم درهم آمیزد، من نیز از همین راه می روم که رفایم رفتد. آنها با این خون ها راه را به من نشان می دهند. خون را پیرزید ای جلال‌دان...". (رفیق شهید فاطمه مدرس "سیمین فردین"، ۱۳۶۷)

"باید بیشتر به فکر آینده و حفظ انقلاب بود. باید سازمان یافته تر و با صنوف فشرده تر به مقابله با دشمن بروم. باید بیاموزم، سازمان بدھیم و انقلاب را به پیش ببرم. راه طولانی و درازی در پیش است. فراموش نکنیم که خطر هنوز برطرف نشده، تازه اول مبارزه و فداکاری است. ۲۵ سال نبودن ما میان مردم را باید جبران کرد. من این مدت را جزو عمرم به حساب نمی آورم و احساس می کنم که هنوز سی ساله هستم. ما ها در داخل زندان شاه ایان راسخ داشتم که خلق خواهد خروشید، رژیم منفور بهلوی را سرنگون خواهد کرد و فرزندان خود را از سیاهچال ها رها خواهد ساخت. ما می دانیم که به آگوش مردم باز خواهیم گشت. حالا می بینید که ما اینجا هستیم. انقلاب ما بیرون شد و شاه را بیرون کردیم. اما برای حفظ این پیروزی و ظایف بس سنتگی به عهده ما کموئیستها است. وظایفی که روز به روز سنگین تر می شود...". (رفیق شهید رضا شلنگوکی، ۱۳۶۴)

"گذشت نهضت های زحمتکشان ایران از زمان مزدک تا به امروز از فراز و نشیب های فراوان گذشت و در آن تلح و شیرین به هم آمیخته که ناپیکنی با درایت و ضعف با قهرمانی... و لی تاریخ مبارزات زحمتکشان هرچه هست همین است. زحمتکشان ایران تاریخ دیگری ندارند و هر کس بخواهد به خاطر "اشتباهات" مزدک از نهضت مزدکی فاصله بگیرید و این نهضت را

۵۲ سال رزم و پیکار در راه رهایی طبقه کارگر ایران

موقعیت آمیز باشد، باید از دایره کوتاه بینانه و محدود منافع فوری و محلی خارج شود و از طریق تشکیل سازمان های سراسری، با درهم پیوندی با مبارزات همه زحمتکشان به پیش برده شود. حزب توده ایران از هر فرصتی برای تشکیل سندیکاهای سراسری کارگران و ایجاد یک مرکز واحد صنفی در سطح کشور استفاده کرده است. حزب توده ایران از عمان ابتدا با هرگونه فرقه گرانی، از جمله با سکتاریسم در مسئله سندیکایی مخالفت کرده و با تلاش های انسایابکرانه در سازمان های صنفی مبارزه کرده است. حزب پیچکا و وجود اختلاف ایدئولوژیک میان گروه های مختلف زحمتکشان را مانع بر سر راه تامین وحدت عمل و مبارزه سندیکایی کارگران و زحمتکشان ندانسته و همواره به اعضا خود آموزش داده است تا در این باره واقع بین و شکیبا باشند. حزب توده ایران همواره پیشنهادهای را که در مقاطع مختلف از جانب عناصر چپ رو مطرح می شد که باید از سندیکاهای اتحادیه ها و یا جمیعت های صنفی که در راس آنها افراد ناباب قرار دارند بیرون رفت و به تشکیل سندیکا یا اتحادیه هایی با شرکت خود اعضای حزب و دیگر نیروهای چپ دست زد، پیکرمانه مخالفت کرده است.

این مشی علمی حزب در رابطه با وحدت جنبش کارگری، در پیروزی های تاریخی این جنبش تأثیر بسزایی داشته است. در پاسخ به همین مشی علمی حزب بود که در روز ۱۱ اردیبهشت سال ۱۳۲۲ (اول ماه مه ۱۹۴۴)، یعنی کمتر از سه سال پس از تاسیس حزب، کارگرانی که در "اتحادیه کارگران و بزرگران" گرد آمده بودند، رهبران سکتاریست و نفاق افکن خود را طرد کردند و با شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران که از سوی حزب تشکیل شده بود، تحد شدند. و باز بر همین اساس بود که یک ماه و نیم بعد از این تاریخ، "کمیته مرکزی اتحادیه زحمتکشان ایران" و "کانون کارگران راه آهن" نیز به آنها پیوستند و بدین ترتیب "شورای متحده مرکزی اتحادیه های کارگران و زحمتکشان ایران" را به عنوان سازمان سراسری جنبش کارگری ایران، در کشوری که تا سه سال پیش از آن میچ راه از اتحادیه های کارگری وجود نداشت، تشکیل دادند. این سازمان که به هنگام وحدت دارای ۵۰ هزار عضو بود، در اندک مدتی بیش از ۹۰ درصد طبقه کارگر ایران را در خود متشکل کرد و شمار اعضای اتحادیه های وابسته به آن تا هایان سال ۱۳۲۳، به ۱۵۰ هزار نفوسرید. هرچند دوران فعالیت علی حزب و "شورای متحده مرکزی" کوتاه بود، اما دستاوردهای آن، از جمله سازماندهی کارگران صنایع نفت ایران که از طریق مبارزه ای خوبین به پیش برده شد، هرگز فراموش شدنی نیست. ■

تئوریک ... و به بیان دقیق تر، حتی باید بیشتر شناخت مبتنی بر چهاره زندگی سیاسی داشته باشد تا شناخت تئوریک. "دستیابی به یک چنین امر تاریخی مهمی را لذت وظیفه اصلی حزب طبقه کارگری دانست.

تاریخ معاصر ایران به وضوح نشان داده است که آز میان همه سازمان ها و احزاب سیاسی کشور، تنها حزب توده ایران است که نه فقط ریشه در جنبش کارگری ایران داشته، بلکه عملکرد آن نیز در انطباق با این آموزش علمی لینین بوده است. بیووند تاریخی حزب ما با جنبش کارگری ایران آنچنان تزدیک است که دشمنان فرقه گرانی، از جمله با سکتاریسم در مسئله سندیکایی مخالفت کرده و با تلاش های انسایابکرانه در سازمان های صنفی مبارزه کرده است. حزب پیچکا وجود اختلاف ایدئولوژیک میان گروه های مختلف زحمتکشان را مانع بر سر راه تامین وحدت عمل و مبارزه سندیکایی کارگران و زحمتکشان ندانسته و همواره به اعضا خود آموزش داده است تا در این باره واقع بین و شکیبا باشند. حزب توده ایران همواره پیشنهادهای را که در مقاطع مختلف از جانب عناصر چپ رو مطرح می شد که باید از سندیکاهای اتحادیه ها و یا جمیعت های صنفی که در راس آنها افراد ناباب قرار دارند بیرون رفت و به تشکیل سندیکا یا اتحادیه هایی با شرکت خود اعضای حزب و دیگر نیروهای چپ دست زد، پیکرمانه مخالفت کرده است.

این مشی علمی حزب در رابطه با وحدت

جنبش کارگری، در پیروزی های تاریخی این جنبش تأثیر بسزایی داشته است. در پاسخ به همین دلیل بوده است که در طول بیش از نیم قرن گذشته، توده ای ها همواره خالصانه و بدون هیچ ادعایی به درون توده های شریک شده زحمتکش رفته اند، در تجربیات آنها شریک شده اند، به آنان منافع راستین طبقاتی و شیوه های مبارزه برای دستیابی به این منافع را آموخته اند و خود نیز شانه به شانه و در کنار آنان در میتوانند رفته اند، در تجربیات آنها شریک شده اند، به آنان منافع راستین طبقاتی و شیوه های مبارزه برای دستیابی به این منافع را آموخته اند و خود نیز شانه به شانه و در کنار آنان در عرصه مبارزه رزمند و شهید شده اند. به راه توده ها رفتن، به راه توده ها مردن، این است آن گوهر توده ای که حزب ما را به میلیون ها کارگر و زحمتکش میهمنان بیووند می دهد و آن را از گروه های تک اقتاده مشغول مطالعه کتاب یا در کار توطئه "متاز و مجزا" می کند.

مبارزه در راه ایجاد تشکل و وحدت در جنبش کارگری

در میهن ما رشد و گسترش جنبش سندیکایی از مبارزه حزب توده ایران برای متحده ساختن صنوف طبقه کارگر جاذیت ناپذیر است. در طول نیم قرن گذشته، حزب توده ایران، به پیروی از بیشن علمی خود، تنها در جهت تشکیل سندیکاهای کارگری مبارزه نکرده، بلکه هدف خود را بر روی متعدد کردن تشکل های کارگری و ایجاد اتحادیه های سراسری متوجه نموده است. حزب همواره از این آموزش لینین پیروه گرفته است که برای آنکه مبارزه کارگران

تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران چنان با تاریخ حزب توده ایران درهم آمیخته که جدا کردن یکی از دیگری گاری عملای غیرمکن است. امروز حتی یک سند معتبر تاریخی درباره جنبش کارگری ایران نمی توان یافت که برسی خود را با نام حزب توده ایران آغاز نکرده باشد.

اما نقش حزب توده ایران در جنبش و مبارزات کارگری میهمنان تنها به آغازگری و پیانکاری این مبارزات محدود نمی شود. حزب توده ایران، در طول مدت ۵۲ سال مبارزات خود، چنان تأثیرات کیفی عظیم بر جنبش کارگری ایران داشته است که آن را با میچ سرکوب و خشونت حیوانی نمی توان نابود کرد. این تأثیرات کیفی، تیجه مستقیم جهانیتی علمی مارکسیست - لینینیستی حزب ما، و به تبع آن، ناشی از رسالتی است که حزب توده ایران، به عنوان حزب پیشانگ طبقه کارگر ایران، برای خود قابل بوده است، جهان بینی و رسالتی که هرچند در بازار مکاره سیاست امروز، از سوی دشمنان اگاه و دوستان ناآگاه طبقه کارگر مورد لعن و ملن و نفرین قرار گرفته اند، اما میچگاه درستی و اعتبار علمی خود را از دست نداده اند - درک می کنیم و انتقام را کار همین توده ها می دانیم و نه ارمغانی که "قهرمانان" و "جمعیت های کوچک" ... به توده ها اهدا فرمایند".

نقش حزب انقلابی در سازماندهی مبارزات طبقه کارگر

همتین اصلی که حزب توده ایران در عرصه مبارزه طبقاتی همواره مد نظر قرار داده و بدون استنای از آن پیروی کرده است، این اصل لینینی است که مبارزات طبقه کارگر را "باید ... یک حزب انقلابی متفکی بر جنبش کارگری" به پیش ببرد. چنین حزبی، به نظر لینین، نه "یک گروه تک اقتاده مشغول مطالعه کتاب یا در کار توطئه"، بلکه حزبی است که "به طور غال در زندگی سیاسی کشور حضور داشته باشد، وظایف سوسیالیستی را با وظایف دموکراتیک و وظایف آینده را با وظایف عاجل روز و کارهای پیزگ را با کارهای به ظاهر کوچک روزمره مربوط سازد". لینین می گفت: "اگر کارگران نیاموزند که از روی فاکت ها و رویدادهای سیاسی مشخصی که حتماً جنبه داغ روز داشته باشد (یعنی فلیت داشته باشد) رفتار هریک از طبقات اجتماعی دیگر را در تمام مظاهر حیات فکری، اخلاقی و سیاسی آنان زیر نظر گیرند، اگر آن ها یاد نگیرند که تمام جوانب فعالیت و حیات تمام طبقات و قشرها و گروه های جامعه را در عرصه عمل با دید ماتریالیستی تحلیل و ارزیابی کنند، آگاهی توده های کارگر نمی تواند آگاهی طبقاتی باشد... طبقه کارگر برای آن که خود را بشناسد باید از مناسبات متقابل همه طبقات جامعه امروزین شناخت داشته باشد و آن م نه تنها شناخت

رشته تالیف شده و پایه استواری برای پیشرفت فراهم آمده است. بدون اغراق باید گفت که هر کار سالم و علمی که در این عرصه انجام شده متعلق به حزب توده ایران است و یا از کوشش های آن سروچشم می گیرد.

برای نثر آثار مارکسیستی لازم بود که حزب علاوه بر دشواری های حاصل از فشار و خفغان بر دشواری های ناشی از سطح تکامل جامعه نیز فایق آید. آثار مارکسیستی به طور عادی ترجمه نی شد. می باشد زبان فارسی را به سطحی رساند که ترجمه را مقدور کند. می باشد کسانی را پرورش داد که از عهده چنین کاری برآیند. کاری که حزب ما در این عرصه انجام داده بسیار عظیم است و اهمیت آن از حدود ترجمه آثار مارکسیستی به مراتب فراتر می رود. کار حزب ما خدمتی است بزرگ به زبان، فرهنگ و علم در میان طبقه کارگر و در سطح جامعه ایران. حزب توده ایران بزرگترین نویسنده کان، شاعران، مترجمان، هترمندان، موسیقیدانان و شخصیت های علمی و فلسفی و اجتماعی را در دامن خود پرورش داده و تقدیم جامعه و طبقه کارگر ایران کرده است.

اما چاپ و انتشار آثار مارکسیستی، تنها یخشی از کار ترویج تئوری انقلابی توسط حزب ما را تشکیل می دهد. یخشی مهی تر این وظیفه بردن اندیشه های مارکسیستی به میان توده کارگران ر مردم بوده است. از این نظر همواره میان حزب توده ایران و دشمنان آشکار و نهان آن نبرد مداوم وجود داشته است. دشمنان آشکار حزب ما همواره کوشیده اند تا به زور سریزه و شکنجه و زندان، جلو نشر اندیشه های انقلابی را در میان مردم بکیرند. اما همانطور که تجربه رژیم گذشته و همچنین رژیم کوتولی حاکم بر ایران شان داده است، می توان انقلابیون و نیروهای مدافعان طبقه کارگر را برای مدتی دستکیر، سرکوب، شکنجه و اعدام کرد، اما راه پیشرفت تاریخ را نمی توان برای ممیشه بست.

کنگره سوم حزب توده ایران، با تأکید مجدد بر ماهیت طبقاتی- کارگری حزب، و اعلام پایندی به جهان بینی مارکسیست- لینینیستی آن، بار دیگر نشان داد که حزب توده ایران حاضر نیست زیر هیچ فشاری و تحت هیچ شرایطی برق مبارزه . با از طبقه کارگر ایران خود مخلوق طبقه کارگر ایران و سلاح تاریخی مبارزه این طبقه است. حزب ما را ضرورت های عینی مبارزه طبقاتی به طبقه کارگر ایران پیوند می دهد، پیوندی که با هیچ ترقندی گستاخی نیست.

این است رمز بقا و پایداری حزب ما، که از میان آتش و خون جهیده، از وحشیانه ترین یورش اجتماعی توسط رژیم و دستکیری بیش از ده هزار نفر از اعضاء و کادرهای آن، و از زیر آوار برخاسته از فروپاشی عظیم ترین یاگاه طبقه کارگر در سطح جهان، بار دیگر قتوس وار از جای برخاسته و برق مطیعه کارگر ایران را افزایش تر از پیش، همچنان در دست گرفته است.

هیتلری در کشور ما فراهم آمد و باعث شد که جامعه ایران در سال های ۱۳۴۵-۱۳۴۶ عمیق ترین جنبش خلقی تا آن سال، که روش بیش طبقاتی داشت، به خود بینند و یک جنبش وسیع دموکراتیک خلقی زیر رهبری طبقه کارگر در خود به وجود آورد.

حزب توده ایران اولین نیروی بود که ماهیت واقعی امپریالیسم آمریکا را که در آن زمان چهره اش برای بسیاری از نیروهای ملی و مردمی ناشناخته بود افشاء کرد و پیش از همه برق مبارزه علیه آن را بر افراشت.

طبقه کارگر و مردم ایران همواره برای دستیابی به دقیق ترین تحلیل های سیاسی از اوضاع کشور به استاد حزب توده ایران تا کنون قادر نبوده هیچ نیروی دیگری در ایران تا کنون قادر نبوده است که چنین نقش سیاسی روشنکری را برای طبقه کارگر و سایر زحمتکشان میهن بازی کند.

وظایف سوسیالیستی؛ کمک به رشد آگاهی طبقاتی کارگران

حزب توده ایران همواره بر اساس این آموزش علمی عمل کرده است که ترویج مارکسیسم را باید از سطح محفل ها خارج کرد و از طریق افشاگری همه جانبه سیاسی و مشارکت در مبارزه روزمره کارگران و زحمتکشان، آنان را نسبت به مناسبات طبقات اجتماعی و سیر تحول جامعه و روند انقلاب آگاه کرد. دشمنان طبقه کارگر کوشیده اند تا مارکسیسم را در محفل های روشنکری زندانی کنند، اما حزب ما همواره بر اساس این اصل مهم عمل کرده است که آگاهی سوسیالیستی را باید نه به افراد جداگانه، بلکه به کل جنبش کارگری داد.

حزب توده ایران تنها نیروی است که کار توریک- علمی خود را نیز در میان کارگران و زحمتکشان و با هدف آموزش این طبقه انجام داده است. برای حزب، پیشبرد مبارزه صنفی کارگران و انجام کار ترویجی و توریک نه دو کار جداگانه که می باشد به موازات یکدیگر، آن هم در میان دو بخش متفاوت از جمیعت، انجام گیرند، بلکه دو وجه آز یک مبارزه واحد و یکپارچه در جهت سازماندهی مبارزات طبقه کارگر ایران، بوده است.

حزب توده ایران نخستین حزب سیاسی است که سوسیالیسم علمی را در کشور ما ترویج داده، رژیم اجتماعی - اقتصادی ایران را از دیدگاه علمی تحلیل کرده و به طبقه کارگر و توده مردم آموزش طبقاتی داده است. به جرات می توان گفت که هرچه که در این زمینه تاکنون در کشور ما انجام گرفته مدیون فعالیت حزب توده ایران است و جز حزب ما هیچ سازمان دیگری به این شکل همه جانبه بدین کار پرداخته است.

در رشته ترجمه و انتشار آثار مارکسیستی، روزی که حزب ما فعالیت خود را آغاز کرد، تقریباً هیچ اثر مارکسیستی ترجمه شده به فارسی در دسترس نبود. می باشد همه آثار را ترجمه و منتشر کرد. امروز بسیاری از آثار مارکس، انگلیس و لینین، و آثار دیگر درباره مارکسیسم - لینینیسم به فارسی ترجمه شده و بسیاری کتاب در این

طبیعی است یک چنین دستاورده تنها از ملریق تکرار کلمه "وحدت" میسر نی شد. وحدت درونی صنوف طبقه کارگر تنها زمانی امکان پذیر است که اصولی و متکی بر منافع حیاتی طبقه کارگر باشد. وحدت با عناصر فرصت طلب که می کوشند مبارزه طبقاتی را نفی کنند و طبقه کارگر را به سوی سازش با استعمارگران سوق دهن، وحدت است غیر اصولی که تنها به تضعیف جنبش و تلاشی آن می احمد. حزب توده ایران در طول دوران حیات خود همواره برای یک چنین وحدت اصولی در صنوف طبقه کارگر مبارزه کرده و راز ریشه داشتن آن در درون طبقه کارگر نیز در همین نهضه است.

وظایف دموکراتیک؛ ارتقاء مبارزه اقتصادی به سطح مبارزه سیاسی

حزب توده ایران همواره کوشش کرده است هنر مرتبط ساختن مبارزه اقتصادی با مبارزه سیاسی را به قشرهای گسترده زحمتکشان تعلیم دهد. از دیدگاه حزب توده ایران، سندیکای واقعی نه تنها برای دستیابی به هدف های مبارزات اقتصادی، بلکه برای نیل به هدف های عام سیاسی و سازماندهی نیروهای راستین انقلاب نیز مبارزه می کند.

لینین می گفت: "ایجاد آگاهی سیاسی و فعالیت انقلابی در توده ها را از هیچ راه دیگری جز از راه افشاگری های سیاسی نمی توان تامین کرد...". او می گفت: "سوسیال دموکرات ها ضمن فعالیت ترویجی خود در میان کارگران، نمی توانند از مسائل سیاسی طفره روند و هرگونه تلاش برای طفره رفقت از این مسائل ... را اشتباہی عیقی از احکام بنیادی سوسیال دموکراتیسم جهان خواهند شرد".

حزب توده ایران از نخستین روز پیدایش خود در جبهه ای گسترده از مسائل اجتماعی و سیاسی وارد نبود شد. حزب ما در نخستین برنامه خود مبارزه با استعمار و تامین استقلال کشور، انجام اصلاحات ارضی، نبرد با فاشیسم، محو استبداد و از میان پردن دستگاه پلیسی رضاشاهی و تامین آزادی مای دموکراتیک را مطرح کرد و مناسب با شرایط زمان و درجه گسترش و تکامل فکری توده ها، این برنامه را روشن تر و دقیق تر عنوان کرد و در راه اجرای آن کوشید.

در نخستین سال های تأسیس حزب، نبرد با فاشیسم رهیتلری جای برجسته ای در وظایف گرفته دیدیون فعالیت حزب توده ایران داشت. روزی که حزب ما زحمت فراوان کشید تا ماهیت فاشیسم را اثنا کرد و نیروهای بالقوه دموکرات ایران را که اسیر توهمات فاشیستی بودند، از پند رهانید و زیر پرچم طبقه کارگر علیه فاشیسم مجھیز کرد. شاهد درستی سیاست حزب توده ایران شرایط مساعدی بود که در نتیجه پیروزی بر فاشیسم

-۲- آگاهی در جهت ارتقاء سطح دانش علمی و آشنایی با آخرین دستاوردهای علمی جهان و هم سطح کردن دانشگاه های ایران با سایر دانشگاه های پیشرفت‌جهان؛

-۳- اشاعه اندیشه سوسیالیسم علمی در میان دانشجویان و جلب دانشجویان به حزب طبقه کارگر و پیوند چنین دانشجویان با چنین خلق، و

-۴- پیوند مبارزه دانشجویی با مبارزه خلق و مبارزه زحمتکشان.

از اساسی ترین خدمات سازمان جوانان توده ایران، افسانه‌نامه بذر آگاهی، ضرورت تشکیل اتحادیه های منطقی جوانان و دانشجویان کشور بوده است. تشکیل سازمان دانشجویان دانشگاه تهران، دانشگاه را به سنگر مبارزه استقلال طلبانه و آزادی‌پردازانه جوانان کشور بدل نمود. سازمان جوانان توده ایران همچنین در عرصه تشکیل دانش آموزان نقشی عظیم ایفا کرد. نخستین تشکیل دانش آموزان کشور به نام "سازمان دانش آموزان ایران" در سال ۱۳۲۰ بوجود آمد.

عنصر محوری فعالیت حزب توده ایران و سازمان جوانان توده ایران، تشکیل مبارزات نسل جوان کشور و حرکت در جهت وحدت تمامی جهانی های ترقی‌خواهانه چنین جوانان بوده است.

تشکیل کانون جوانان دموکرات در خداداد ماه ۱۳۲۰ در عین فراهم آوردن امکان پیوند بین مبارزه مخفی و علنی، یکی از نقاط عطف جنبش وحدت طلبانه جوانان میهن دوست و زحمتکش کشور گردید. در خطابی در مراسم اتحاد کانون جوانان دموکرات ایران اعلام گردید:

"جوانان ایران صرف نظر از وابستگی های طبقاتی و تقدیم اجتماعی، سیاسی و فلسفی خویش، می توانند در موضوعات کلی، وقتی پای استقلال میهن، آزادی مردم درین است با پیداگیر متعدد شوند".

در همین راستا قلمنامه کنگره ملی جوانان ایران در مقابل با کوشش های تفرقه جویانه احزاب اجتماعی آن دوره اعلام می دارد: "... بهترین راه برای رسوا نمودن رهبرانی که جوانان را که راه می کنند پیشنهاد پیکر همکاری و اتحاد براساس مطالبات مشترک است ول این که در دفعه و دفاتر اول پاسخ آن منفی باشد".

این توصیه همواره راهنمای عمل جوانان توده ای بوده است. در ۱۶ آذر ماه ۱۳۲۲ حزب توده ای دو مصدقی در اشاعه دانشگاه تهران منشاء مبارزه متحد دانشجویان در سالگرد این روز تاریخی شد. تا سقوط رژیم شاه در بهمن ۵۷، ۱۶ آذر هر سال مظہر اتحاد و همبستگی دانشجویان ایران بود.

پس از کودتای ۲۸ مرداد و شکست چنین مترقبی کشور، توده ای ها دوباره پرچم مبارزه علیه استبداد در درون و خارج از کشور را برافراشتند. به ابتکار دانشجویان توده ای برای نخستین بار "کنفراسیون دانشجویان ایرانی" در خارج از کشور که در برگیرنده تمامی دانشجویان خارج از کشور بود برپا گردید و توانست نتش ارزنده ای در مبارزه علیه رژیم شاه بازی کند. کنفراسیون متسافانه با انشتاب جهانی در چنیش کمونیستی و با حاکمیت عقاید ادامه در ص ۵

پنج دهه نبرد در راه احقاق حقوق جوانان

مبارزات جوانان در هر جامعه حق بماند، دیکتاتور زده و بورژوازی انکاستی طبیعی از بحران عصی و همه جانبه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این جوامع می باشد. جوانان زحمتکش و در درجه اول جوانان کارگر که در معرض استعمار شدید تزار دارند و دور نمایی برای خود در سیستم سیاسی و اقتصادی خیر حادلانه حاکم تی پیشند، همواره با اولین جرقه های مبارزه طبقاتی و سیاسی به چنین می پیوندد. این حقیقت که طلاقی داران چنین انتقامی هر خلقی را جوانان آن تشکیل می دهند و این پخش از جامعه نیروی پرخمر و بالاندۀ سازمان های ترقیخواه و کمونیست، اتحادیه های کارگری و دیگر سازمان های دموکراتیک را تشکیل می دهد، انکاست این واقعیت است.

مبارزه انتقامی حزب توده ایران که بطور بینانی نوگرا و تحول طلب بوده است، پیکر آن روح بسیج و سازمانگری رهبر بزرگ چنین کارگری، ولادمیر ایلیچ لینین را که "ما حزب آینده ایم و آینده به نسل جوان تعلق دارد که با اشتیاق پسیار از نوآران پیروی می کند"، وا در سرلوحة برنامه مبارزاتی خود حفظ نموده است.

در جهت انتقامی حزب جوانان کشور و تربیت نسل آینده توده ای، سازمان جوانان توده ایران در فروردین ۱۳۲۲ بنیاد نهاده شد. تشکیل سازمان جوانان توده ایران به عنوان اولین سازمان سیاسی و صنفی نسل جوان میهنمان، تحولی عظیم در زندگی سیاسی و اجتماعی آنان پدید آورد. صوف سازمان جوانان با مبارزاتی پر شد که معتقد بودند باید حق شرکت در اداره سیاسی جامعه شان و تائیر گذاری بر آن، به آنها داده شود. جوانان توده ای در تمام طول تاریخ بیش از پنج دهه مبارزه حزب هوشیارانه و مسئولانه در تحولات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشورمان نقش داشته اند.

نسل جوان توده ای با پیروی از خط مشی انسانی و رهنمودهای تحول طلبانه و ترقیخواهانه حزب توده ایران، نقش ارزنده ای در تحول فکری جوانان ایران آغاز نمود. جوانان توده ای در کارخانه، در مزرعه، در مدرسه و در دانشگاه و در همه جا پرچم دار حزب توده ایران بوده اند و با بردن آرمان های انسانی و خط مشی حزب به میان جوانان و به دوش گیری بخش عمدی ای از کار تبلیغاتی حزب، به حق نقش بار و یاور و نیروی ذخیره حزب را ایفاء کرده اند.

دفاع از حقوق کارگران جوان به مهم ترین وظیفه سازمان جوانان توده ایران بدل گردید. در مبارزه بخطاطر منوع کردن کار کارگران زیر ۱۶ سال، تحریم اجباری، به وجود آوردن امکان تحصیل کارگران نوجوان و جوان، مزد مساوی در مقابل کار مساوی، جلوگیری از اخراج بی رویه کارگران نوجوان و جوان، منع کردن کار شبانه برای کارگران نوجوان، نسل توده ای پرچم دار بوده است. سازمان جوانان توده ایران در شرایط مشخصی توانست هزاران جوان کارگر و زحمتکش را در صفو خود تشکیل سازد و آنان را در امر مبارزه علیه امپرالیسم، ارتعاج و تامین حقوق کارگران و زحمتکشان پسیج نماید.

در اولین دوره فعالیت انتقامی حزب، توده ای های جوان به مشاهد منادیان اندیشه سوسیالیسم علمی و به کمک حزب چنان انقلاب فکری را در سطح جامعه آن روز ایران ایجاد کردد که جامعه فرتوت و عقب مانده و